

آیا آن را
میدانید؟
آزمون
دهید!



آزمون دهید

چقدر داستان خود را می دانید؟

۱. نام اجداد شما که تولد شدن چی بود ؟
 ۲. نام پدر بزرگ و مادر بزرگ شما چیست؟ (شما ۴ دارید)
 ۳. نام والدین پدر بزرگ و مادر بزرگ شما چیست؟ (شما ۸ دارید)
 ۴. و نام اجداد پدر بزرگ و مادر بزرگ بزرگ شما چیست؟ (شما ۵۱۲ دارید)
- اگر تمام جواهرات جهان به شما پیشنهاد شود - آیا می توانید نام هر یک از پدر بزرگ و مادر بزرگ های خود را از ده نسل قبل بیاورید؟ احتمالا نه! چرا که نه؟ زیرا شما هیچ سابقه مکتوبی از اصل و نسب خود از مدت ها پیش ندارید.
- اکنون به بخش بسیار قدیمی تری از داستان خود فکر کنید - تکه ای از تاریخ که بیشتر از طلا ارزش دارد.

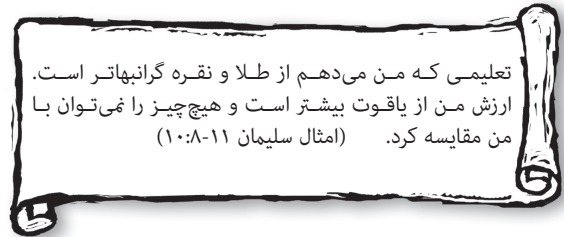
اولین اجداد شما. تو در مورد آنها چه میدانی؟

اگر هیچ گزارش مکتوبی از داستان آنها وجود نداشت، نمی توانستید بدانید از کجا آمده اید و چرا اینجا هستید. خوشبختانه چنین سابقه ای وجود دارد.

آیا می دانید چه می گوید؟



چرا این را بخوانید؟ آیا کتاب مقدس پرفروش ترین کتاب جهان را خوانده اید؟ این کتاب گذشته، حال و آینده نسل بشر را ثبت می کند. خواندن کتاب مقدس حدود ۷۰ ساعت طول می کشد. داستان شما، در برگرفته حکایت و پیام شگفت انگیزی میباشد - که خواندن آن کمتر از یک ساعت طول می کشد.



تعلیمی که من می دهم از طلا و نقره گرانبهاتر است.
ارزش من از یاقوت بیشتر است و هیچ چیز را نمی توان با
من مقایسه کرد. (امثال سلیمان ۱۱-۸:۱۰)

درباره نویسنده: پل دی. برامسن. بیشتر عمر خود را در سنگال

در بین ملت مسلمان در کنار صحرا گذرانده است. نوشته های او از علاقه به کتاب مقدس و هزاران گفتگو با دوستان مسلمان در سنگال و سراسر جهان سرچشمه می گیرد.

آغاز

داستان شما با خدا شروع می شود در حالی که انسان ایده های زیادی در مورد منشاء اولین پدربزرگ و مادربزرگ خود دارد، کتاب پیدایش (به معنی مبدا) سابقه کسی است که در آنجا شروع شد.

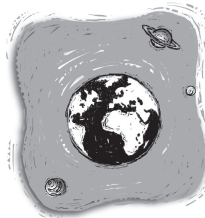


در آغاز خدا آسمانها و زمین را آفرید.» (پیدایش ۱: ۱، تورات)»

آیا خدا وجود دارد؟ آفرینش او با فصاحتی کر کننده به این سال پاسخ می دهد. «او زمین را بر هیچ چیز معلق می کند.» (ایوب پیامبر، ۷: ۲۶) «آسمان هنر دستان او را اعلام می کند.» (داوود پیامبر، مزمو ۱۹: ۱)

وقتی از دست صحبت می کنید، به دست خود نگاه کنید. چه کسی جز یک استادکار می تواند چنین ابزارهایی را طراحی کند؟ و برای ایجاد یک سلول زنده با میلیون ها قطعه کار چه نوع عقلانیت لازم است؟ یا با هم بافتن یک رشته میکروسکوپی دو متری پیچیده از مواد شیمیایی با میلیاردها کد ژنتیکی که شما را مجذوب خود می کند؟

«ای خداوند ... تو مرا در رحم مادرم نقش بستی. من تو را ستایش می کنم زیرا که به طور مهیب و عجیب ساخته شده ام» (مزامیر ۱۳۹: ۱، ۱۳-۱۴)



رکورد

کتابی که کتاب مقدس نامیده می شود^۱ نه تنها پرفروش ترین و ترجمه شده ترین کتاب جهان است، بلکه بهترین متن حفظ شده در دوران باستان است.^۲ کتاب مقدس که گفته می شود کلام خدا است، به دو بخش تقسیم شده است:



بخش ۱: عهد عتیق (تورات، مزامیر، و غیره) نقشه خدا را پیشگویی میکند

قسمت ۲: عهد جدید (انجیل و غیره) جریان محقق شدن نقشه خدا را بیان میکند.

اما چگونه می توانیم بفهمیم که این نوشتجات واقعاً در نزد خدا ثبت هستند؟ ما می توانیم بدانیم زیرا آنها دارای دلایلی هستند که در هیچ کتاب دیگری یافت نشده است. مانند:

- پایداری کامل. کتاب مقدس توسط دهها پیامبر در طول پانزده قرن نگاشته شده است، اما یک چیز در این کتابها به هم پیوسته است، (پیام). فقط نویسندگان ای که خارج از زمان زندگی می کند می تواند از آن الهام بگیرد.
- داستان. هیچ انسانی نمی تواند چنین تاریخ پیچیده ای را تصور کند. همه قطعات کاملاً در کنار هم قرار می گیرند به سوالات بزرگ زندگی پاسخ می دهد، امید می بخشد و زندگی را متحول می کند.
- صدها پیشگویی تحقق یافته فقط خدا می تواند تاریخ را قبل از وقوع فاش کند.

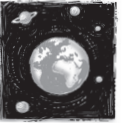
۱. مقدس به معنای منحصر به فرد یا جدا از هم است. کتاب مقدس از کلمه یونانی بابیلیا به معنی کتاب یا کتابخانه گرفته شده است

۲. فصل ۳ را در یک پیام خدا ببینید.

خالق شما

خدا چگونه است؟ او مغز متفکر بی پایان و خالق جهان است. او بدون آغاز و پایان است او «پدر روحانی» است (عبرانیان ۱۲: ۹) که فرشتگان را در آسمان و نخستین اجداد شما در روی زمین آفرید تا او را بشناسند، دوست بدارند، و برای همیشه عبادت و خدمت او را کنند. خدا یکی است، با این حال می تواند همزمان در همه جا باشد. نام او ارباب خودکفا است. او به هیچ چیز احتیاج ندارد، اما می خواهد شناخته شود و دوست داشته شود. او قادر مطلق است که با کلمه و روح خود جهان را به وجود آورد.

«در آغاز، هنگامی که خدا آسمانها و زمین را آفرید، زمین، خالی و بی شکل بود، و روح خدا روی توده‌های تاریکِ بخار حرکت می‌کرد. خدا فرمود: «روشنایی بشود.» و روشنایی شد. خدا روشنایی را پسندید و آن را از تاریکی جدا ساخت.» (پیدایش ۱: ۱-۴)



در اولین روز خلقت، جلال و نور خدا تاریکی را سوراخ کرد. «خدا نور است» در او به هیچ وجه تاریکی وجود ندارد اگر ما ادعا می کنیم که با او ارتباط داریم و در تاریکی راه می رویم، دروغ می گوئیم و بر اساس حقیقت زندگی نمی کنیم.» (ایوحنا ۱: ۵-۶)

خالق شما کامل است. فقط موجودات کاملاً خالص می توانند با او زندگی کنند. «خدا مقدس است» (مزامیر ۹۹: ۹)

اولین اجداد شما

در شش روز منظم، خدایی که نور است، اتمسفر، خشکی، دریا، پوشش گیاهی، خورشید، ماه، ستاره ها، ماهی، مرغ، حشرات و حیوانات را ایجاد کرد. چه سیاره ای! اگر به خوبی اداره شود، زمین هرگز از هیچ چیز خوبی بی بهره نخواهد بود. این خانه ایده آل برای بشریت خواهد بود.

«سپس خدا گفت: بگذارید ما انسان را به صورت خود و به شباهت خود بسازیم و بگذارید آنها بر تمام زمین» حکومت کنند بنابراین خدا انسان را ... به صورت خود ... زن و مرد آنها را آفرید.» (پیدایش ۱: ۲۶-۲۷).

متمایز از قلمرو حیوانات، انسانها منعکس کننده ماهیت خالق خود بودند. خدا به آنها روحهای جاودانه، عقل قدرتمند، احساسات عمیق و توانایی انتخاب تأثیر دائمی را به آنها داد. خدا ربات نمی خواست او می خواست اولین اجداد شما، آدم و حوا، نه تنها با یکدیگر، بلکه با او رابطه نزدیک برقرار کنند. او همین را برای شما می خواهد «خدا محبت است.» (۱ یکدیگر ۴: ۸)

۳. از آنجا که خدا یکی است، چرا می گوید:

«بگذارید انسان را شبیه خودمان بسازیم ...»؟ پاسخ در وحدت پیچیده او نهفته است. در کتاب مقدس، کلمه عبری برای «خدا» الوهیم است که یک اسم جمع است و معنی آن وحدت مرکب میباشد. قبل از خلق فرشتگان یا انسان، خدا از عشق و ارتباط درونی خود با کلام شخصی و روح مقدسش برخوردار بود. - «خدا چقدر بزرگ است - فراتر از درک ما» (ایوب پیامبر ۳۶: ۲۶)

قانون گناه و مرگ

در ابتدا خدا و انسان دوست بودند اما خدا قصد داشت این دوستی را آزمایش کند و به آدم و حوا فرصتی بدهد تا روابط خود را با خالق خود همانطور که به او اعتماد کرده و از او اطاعت می کنند، تقویت کنند. و بنابراین، حتی قبل از اینکه خداوند خدا شب را ایجاد کند، آدم را در باغی کامل با مناظر و صدهای شگفت انگیز، حیوانات منحصر به فرد و درختان میوه دار که می توانست از آن بخورد قرار داد- بدون یک استثناء قابل توجه.

«خداوند خدا به آن مرد دستور داد، شما می توانید از هر درختی در باغ بخورید. اما نباید از درخت شناخت نیک و بد بخورید زیرا وقتی از آن بخورید مطمئناً خواهید مرد.» (پیدایش ۲: ۱۶-۱۷).

نتیجه نافرمانی از یک فرمان خدا چه خواهد بود؟

آیا خدا به آدم گفت که اگر میوه ممنوعه را بخورد، باید از مهره های دعا استفاده کند، دعا کند، روزه بگیرد، صدقه بدهد، در مجالس مذهبی شرکت کند و کارهای خوب انجام دهد تا کارهای بد خود را متعادل کند و سپس به رحمت خدا امیدوار باشد؟ آیا این چیزی است که خدا گفته است؟ نه !!!

خدا به آدم گفت که تاوان گناه باید با مرگ پرداخت شود. کتاب مقدس این را «قانون گناه و مرگ» می نامد. (رومیان ۸: ۲).



معنای مرگ

این اولین قانونی است که خدا به انسان داد- کلیدی برای درک داستان شما - گذشته، حال و آینده است.

گناه (شکستن قانون خدا) باعث سه جدایی می شود:

۱. مرگ روحانی: جدایی روح انسان از خدا.

۲. مرگ جسمانی: جدایی روح از بدن.

۳. مرگ ابدی: جدایی از خدا برای همیشه در جهنم.

آتش ابدی که برای شیطان و فرشتگان او آماده شده است» (متی ۲۵: ۴۱).

معنای مرگ را می توان با یک شاخه درخت نشان داد. در همان لحظه که یک شاخه زنده قطع می شود، اگرچه هنوز زنده به نظر می رسد، از آنجا که از منبع حیات خود جدا شده است «مرده» است.

خدا به آدم هشدار می داد که گناه او را از خالق خود، یعنی منبع زندگی جدا می کند. برای خدای کامل و مقدس، گناه یک امر بی اهمیت نیست.



انتخاب

پس از آنکه خداوند زن دوست داشتنی را از پهلوی (قبرغه) آدم به وجود آورد، او را به آدم تقدیم کرد و آنها را زن و شوهر خواند، «خدا همه چیزهایی را که ساخته بود دید، و این بسیار خوب بود. ... آن مرد و همسرش هر دو برهنه بودند و هیچ شرمندگی احساس نمی کردند.» (پیدایش ۱: ۳۱، ۲: ۲۵) دنیای کاملی را تصور کنید که در آن یک زوج کامل در رابطه ای رو به رشد با خالق کامل خود زندگی می کردند. اوضاع در ابتدا چنین بود کامل. چه چیزی اشتباه پیش رفت؟

یک روز، وقتی آدم و حوا نزدیک درخت ممنوعه بودند، شیطان^۴ به شکل یک مار ظاهر شد. و گفت: «آیا خدا واقعاً گفته است» نباید از هیچ درختی باغ بخورید؟ «شیطان از آنها می خواست که به سخنان خدا شک کنند و به حوا گفت: «شما مطمئناً نمی میرید. زیرا خدا می داند که وقتی از آن بخورید، چشمان شما باز می شود و مانند خدا می شوید و خوب و بد را می شناسید.» (پیدایش ۳: ۱، ۴-۵) توجه کنید که چگونه شیطان حقیقت را با غلط اشتباه می گیرد. یک ضرب المثل عربی می گوید: «مراقب باشید: برخی از دروغگوها حقیقت را می گویند!» فریبکار بزرگ با گفتن «مطمئناً نمی میرید» دروغ گفت و «خوب و بد را می شناسید». اما او به عواقب وحشتناکی که گناه آنها به دنبال خواهد داشت اشاره نکرد.

۴. شیطان (به معنی دشمن) یک فرشته آسمانی سابق است. که پس از آنکه سعی کرد فرشتگان دیگر را به جای خداوند به پرستش خودش وادار کند، از بهشت اخراج شد. فرشتگانی که به شورش شیطان پیوستند دیو نامیده می شوند.

گناه و شرم

این لحظه فرا رسیده بود که آدم و حوا بین کلام خدا و کلام شیطان یکی را انتخاب کنند. آنها دومی را انتخاب کردند. و از آن خوردند.

«سپس چشم هر دوی آنها باز شد و متوجه شدند که برهنه هستند.» بنابراین برگ انجیر را به هم دوختند و برای خود پوششی درست کردند.

پس از آن مرد و همسرش صدای خدا را شنیدند که در در باغ قدم می زد، و آنها خود را از خداوند خدا در میان درختان باغ پنهان کردند.

اما خداوند آدم را صدا کرد و فرمود: «کجا هستی؟» آدم جواب داد: «چون صدای تو را در باغ شنیدم ترسیدم و پنهان شدم زیرا برهنه هستم.» (پیدایش ۳: ۷-۱۰).

چرا احساس شرم کردن و پنهان شدن؟

- آنها گناه کرده بودند.
- دوستی نزدیک با خالق آنها به پایان رسید.
- از نظر جسمی اجداد ما هنوز زنده بودند اما از نظر روحانی آنها مرده بودند.



یک خدای مقدس

قبل از گناه، آدم و حوا توسط کمال و جلال خدا احاطه شده بودند. آنها در حضور خیره کننده خالق خود، که برای قدم زدن به باغ می آمد و با آنها صحبت می کرد، کاملاً راحت بودند. اما در لحظه ای که آنها از فرمان او سرپیچی کردند، در حضور او ناراحت شدند - نه فقط به دلیل برهنگی جسمانی، بلکه به دلیل برهنگی روحانی.

قبل از نافرمانی، آدم و حوا مقبول خدا بودند و «هیچ احساسی شرمندگی نمی کردند». (پیدایش ۲: ۲۵) اکنون آنها خودآگاه شده بودند و در حضور خدا احساس ناپاکی می کردند.

آنها برعکس خالق خود، که مقدس است، تبدیل شده بودند. آنها اکنون پاک نبودند. آنها دیگر نمی خواستند در پاکی و درخشش حضور خدا باشند. آنها مانند سوسک هایی که هنگام تاباندن نور به دنبال پوشش می گردند، اکنون «تاریکی را بیشتر از نور دوست داشتند، زیرا اعمال آنها شیطانی بود». (یوحنا ۳: ۱۹)

خدای کامل، پاک و مقدس نمی تواند گناه را تحمل کند. و آنها این را می دانستند. آیا تو...؟

گناه برای خدا ناپسند است مانند لاشه خوک پوسیده در خانه شما برای شما.

«خداوند مقدس، مقدس، مقدس است!» (اشعیا ۶: ۳)

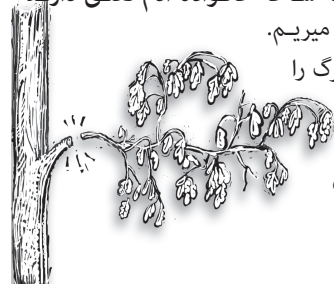
گناهکاران درمانده

همان لحظه ای که اولین اجداد ما گناه کردند، مانند یک شاخه شکسته شدند. آنها از خدا، یعنی منبع زندگی جدا شدند. همچنین مانند یک شاخه جدا شده، بدن آنها شروع به مردن کرد. مگر اینکه خداوند خدا آنها را نجات دهد، آنها در «دریاچه آتش» (مکاشفه ۲۰: ۱۴-۱۵) با جدایی ابدی از خدا روبرو شدند (ارواح آلوده به گناه در آنجا برای همیشه در قرنطینه هستند و هیچ امیدی به فرار ندارند. آدم و حوا گناهکاران درمانده شده بودند. اما خبر بدتر از این در راه است.

از آنجا که آدم رئیس نسل بشری بود، گناه او بر همه فرزندان او تأثیر می گذارد. همانطور که هر شاخه و برگ روی شاخه شکسته تحت تأثیر قرار می گیرد، کسانی که به شاخه خانواده آدم تعلق دارند نیز تحت تأثیر قرار می گیرند. همه ما گناه می کنیم و همه می میریم.

«گناه به وسیله یک انسان به جهان وارد شد و این گناه، مرگ را به همراه آورد. در نتیجه، چون همه گناه کردند مرگ همه را دربرگرفت.» (رومیان ۵: ۱۲)

گناه (نه سرطان، قحطی، فقر، یا پمب هسته ای) بلکه مخرب ترین نیرو و فاجعه بزرگ روی کره زمین است.





نفرین و برنامه

گناه **نفرین** را به همراه آورد. اجداد اول ما و فرزندان آنها اکنون سختی، درد، خار، قحطی، بیماری، پیری و مرگ را تجربه خواهند کرد.

اکثر ما آنقدر به چنین بدبختی عادت کرده ایم که آن را به عنوان «بخشی عادی از زندگی» می پذیریم. اما آیا طبیعی است که شگفتی زایمان شامل درد طاقت فرسا شود؟ یا اینکه یک گل رز معطر خار خارق العاده ای را بر دوش بکشد؟ یا اینکه کسانی که به صورت خدا آفریده شده اند بمیرند و با قضاوت روبرو شوند؟ چنین عناصر تهاجمی در جهان طبیعی تر از سلول های سرطانی برای بدن افراد سالم نیستند.

خبر خوب این است که از ابتدا خالق ما برنامه نجات داشت. در روزی که گناه نسل بشر را فاسد کرد، خدا به آدم و حوا نگاهی اجمالی به برنامه خود داد. در زمان خود، خداوند **نجات دهنده** ای را از نسل این زن به زمین می فرستد (پیدایش ۳: ۱۵)، که راهی برای نجات آدم و حوا و فرزندان آنها از دست شیطان، گناه، مرگ و جهنم ایجاد می کند. این نجات دهنده به عنوان **مسیح**، برگزیده خدا شناخته می شود.

اولین قربانی

بعد، خدا در رحمت و عدالت خود، کاری قابل توجه برای کسانی که به تازگی علیه او قیام کرده بودند، انجام داد.

"خداوند خدا برای آدم و همسرش لباسهای از پوست تهیه کرد و آنها را پوشاند." (پیدایش ۳: ۲۱)

آدم و حوا در تلاش بودند تا با روی هم قرار دادن برگ های انجیر گناه و شرم خود را پنهان کنند. اما خدا تلاش آنها را برای پذیرفتن در نظر خود رد کرد. در عوض، خدا برخی از حیوانات را ذبح کرد و آدم و حوا را در پوست آنها پوشاند.

متأسفانه حیوانات بی گناه به دلیل گناه آدم و حوا مجبور به مرگ شدند. خدا تصویری از نقشه خود برای نجات گناهکاران از قانون گناه و مرگ نشان می داد. خون ریخته شده نمادی از آن چیزی است که برای پاکسازی گناه انسان ضروری است. پوست ها نمادی از آنچه برای پوشاندن شرم انسان ضروری است. از آن پس، بره یا حیوان قابل قبول دیگری باید به عنوان جانشین موقت گناهکار بمیرد، تا زمانی که خدا جایگزین دائمی را تأمین کند.

خدا **اولین قربانی** گناه را فراهم کرده بود.

او همچنین **قربانی نهایی** گناه را ارائه می داد.

پرستش گناهکاران

به دنبال این نمایش رحمت (ولایق نبودن مهربانی)، خدا آدم و حوا را از باغ کامل به جهان نفرین شده توسط گناه فرستاد. گناه آنها، آنها را از خدا جدا کرد. والدین اول ما مشکل جدی داشتند. ما هم همین طور.

به موقع، حوا اولین نوزاد جهان را به دنیا آورد، قابیل، و بعد هابیل برادرش تولد یافت. هر دو پسر طبیعت گناه آلود والدین خود را به ارث برده اند. به قول یک ضرب المثل آفریقایی:

• «موش فرزندی تولد نمی کند که حفر نمی کند.»

• «یک فاجعه آثار آن را به کسی که اولین بار آن را ایجاد کرده محدود نمی کند.»

به عنوان مردان جوان، قابیل و هابیل هر دو می خواستند خالق خود را پرستند. اما اگر آنها با او رابطه داشته باشند، باید بر اساس شرایط او باشد: «بدون ریختن خون (پرداخت مرگ) هیچ بخشش (بدهی گناه) وجود ندارد. (عبرانیان ۹: ۲۲).»

قابیل به روش خود به خدا نزدیک شد او مجموعه ای از سبزیجات را که با جدیت آنها پرورش داده بود به خدا تقدیم کرد. قابیل مانند افرادی بود که با نادیده گرفتن این حقیقت که گناه مرگ می خواهد، نه تلاش برای خودش کرد، و نه با انجام دادن مناسک مذهبی و کارهای خوب سعی کرد تا لطف خدا را جلب کند. خدا پیشنهاد قابیل را رد کرد در همین حال، هابیل با ایمان به راه خدا نزدیک شد. هابیل بهای مرگ را آورد - خون یک بره قربانی.

یک جایگزین قابل قبول

تصور کنید هابیل دست خود را روی سر بره بی گناه گذاشته و از خداوند تشکر می کند که اگرچه او، مستحق مرگ و جدا شدن از خالق خود برای همیشه بود، خدا بره را به عنوان جایگزین او می پذیرفت. بره (که بدهی گناهی نداشت) به جای او مرد.

هابیل به قانون گناه و مرگ احترام گذاشت، به همین دلیل بود که «خداوند به هابیل و هدیه اش با احترام نگاه می کرد، اما به قابیل و هدیه او با خوش رویی نگاه نمی کرد.» (پیدایش ۴: ۴-۵).

اگرچه قابیل با اشتباه به خدا نزدیک شده بود، اما خدا همچنان او را دوست داشت و از او می خواست که توبه کند، یعنی تصمیم خود را تغییر داده و تسلیم راه بخشش و عدالت او شود. اما قابیل حاضر نشد خون بره ای را برای گناه خود تقدیم کند. در عوض، در خشم و غرور مذهبی خود، هابیل را کشت و به خدا پشت کرد.

کتاب مقدس به ما می گوید که آدم و حوا «پسران و دختران دیگری» داشتند.

(پیدایش ۵: ۴) برخی اعتماد و اطاعت از خدا را انتخاب کردند، اما اکثر آنها راه قابیل را انتخاب کردند.



ایمان به خدا و برنامه او

ده نسل طولانی پس از آدم، خدا این گزارش غم انگیز را در مورد خانواده انسانی به ما ارائه داد: «... شیطان همیشه وقت». (پیدایش ۶: ۵) خدا پس از صبر بسیار، شر را با سیل جهانی قضاوت کرد و تنها جد ما و خانواده اش را که به خداوند و نقشه او اعتقاد داشتند، در امان نگه داشت. خدا همچنین یک جفت از هر گونه جانوری و هفت جفت حیوان مناسب برای قربانی گناه را حفظ کرد. اولین کاری که نوح پس از فروکش سیل انجام داد چه بود؟ «نوح برای خدا قربانگاهی ساخت و با گرفتن برخی از حیوانات پاک و پرندگان پاک، قربانی های سوختنی را بر روی آن قربانی کرد.» پیدایش ۸: ۲۰

حتی در مواقعی که شروعی تازه داشت، مردم به زودی از خالق خود رویگردان شدند. ده نسل پس از نوح، خدا ابراهیم را دعوت کرد تا خانه و مذهب پدرش را ترک کند و ایمان (باور) خود را تنها به او بسپارد. در کتاب مقدس آمده است: «ابراهیم به خدا ایمان داشت و این امر باعث شد تا او عادل شمرده شود» و او دوست خدا نامیده شد. «(یعقوب ۲: ۲۳؛ پیدایش ۱۵: ۶) چرا خدا ابراهیم را عادل اعلام کرد؟ زیرا ابراهیم به خداوند و وعده او اعتماد کرد.

خدا به ابراهیم گفته بود، «من از تو ملتی بزرگ خواهم ساخت... و همه مردم روی زمین از طریق تو برکت خواهند یافت.» (پیدایش ۱۲: ۲-۳) خدا به وعده خود عمل کرد. پیامبران، کتاب مقدس و مسیح همگی از طریق آن قوم به ما رسیدند.

نبوت ابراهیم

وقتی ابراهیم خیلی پیر بود، خداوند از او خواست که کار سختی انجام دهد. به او گفت که به کوه خاصی برود و آنجا قربانگاهی بسازد و پسرش را قربانی کند! ابراهیم آموخته بود که خدا عادل، خوب و قابل اعتماد است، بنابراین اطاعت کرد.

سه روز بعد، وقتی پدر و پسر از کوه بالا می رفتند، پسر ابراهیم سوال منطقی را پرسید: «پدر، بره قربانی سوختنی کجاست؟» ابراهیم پاسخ داد: «پسر، خداوند بره قربانی سوختنی را فراهم می کند...» (پیدایش ۲۲: ۷-۸)

شاید شما داستان را می دانید خدا مداخله کرد و در عوض.

(«بره») یک قوچ را فراهم کرد تا «به جای پسرش» ببرد. بنابراین ابراهیم آن مکانی را **خداوند مهیا خواهد کرد نامید**. و تا به امروز نیز این چنین یاد می شود، «خداوند مهیا می کند» (پیدایش ۲۲: ۱۳-۱۴) و این پیشگویی روز مهمی بود که مسیح، «بره خدا» خون خود را در همان رشته کوه به عنوان آخرین قربانی برای گناه خواهد ریخت، نه برای بازخرید تنها یک نفر، بلکه برای همه مردم جهان. به طوری که «هر که به او ایمان آورد، هلاک نشود، بلکه حیات جاویدانی داشته باشد.» (یوحنا ۱: ۲۹؛ ۳: ۱۶)



ده فرمان

خدا به وعده خود نسبت به ابراهیم عمل کرد و فرزندان او را «ملتی بزرگ» ساخت- نه از نظر اندازه، بلکه از نظر اهمیت. خدا قصد داشت از این ملت استفاده کند تا به همه ملت ها پیاموزد که او چگونه است و چگونه می توان گناهکاران را پذیرفت. در روز موسی، خدا ده فرمان (خروج ۲۰) را داد و اعلام کرد: «نفرین بر مردی که به گفته های این قانون عمل نمی کند.» (تثنیه ۲۷: ۲۶)

گناه انسان را از خدا جدا می کند، خداوند مقدس است، و به اطاعت کامل و بی وقفه نیاز دارد. هرکسی که کل قانون را رعایت کند و در یک لحظه به لغزش بیفتد، متخلف است که همه آن را نقض کرده است.

مهم نیست که چقدر خوب فکر می کنید، هرگز نمی توانید مطابق معیار کامل خدا عمل کنید. مانند آینه ای که خاک روی صورت شما را نشان می دهد، اما نمی تواند آن را پاک کند، شریعت گناه را در قلب شما آشکار می کند، اما نمی تواند آن را از بین ببرد. ده فرمان به ما می آموزد که ما گناهکاران درمانده هستیم و به یک منجی نیاز داریم.



قانون قربانی

از آنجا که تمام ملت در نقض قوانین او مجرم بودند، خدا به موسی دستور داد «قربانگاهی بسازید ... و قربانی های سوختنی خود را بر آن قربانی کنید». (خروج ۲۰: ۲۴) فقط قانون قربانی می تواند قانون گناه و مرگ را نفی کند. از طریق قربانی یک حیوان بی عیب و نقص بود که خدا گناه را بدون مجازات گناهکار خنثی میکرد. ستایش کننده گان باید یک گاو، بز، بره یا پرنده سالم را انتخاب می کردند. آنها ایمان خود را به راه عدالت و رحمت خدا با قرار دادن دستی بر سر این موجودات نشان می دادند. و در حضور خدا، گناهان آنها به حیوان منتقل می شد، و سپس به جای آنها می مُرد.

«جان هر موجود زنده ای در خون اوست و من آن را به شما داده ام که برای کفاره گناهان خود در قربانگاه بریزید تا گناهان شما پاک گردد. خونی که در آن حیات است، گناهان را پاک می کند» (لاویان ۱۷: ۱۱)

کفاره به معنی پوشاندن است. خون یک حیوان بی عیب و نقص می تواند گناه را بپوشاند، اما نمی تواند آن را حذف کند. «غیرممکن است که خون گاوها و بزها گناهان را از بین ببرد.» (عبرانیان ۱۰: ۴) حیوانات به صورت خدا خلق نشده اند. تنها «بره» وعده داده شده و بی گناه خدا (اشعیا ۵۳: ۷) می تواند بدهی گناه انسان را برای همیشه پردازد.



پیشگویی های بیشتر

پس از زمان حضرت موسی ، خداوند پیامبران بیشتری را انتخاب و الهام بخشید تا ظهور مسیح را که قوم خود را از گناهانشان نجات می دهد، با جزئیات بیشتر، پیشگویی کنند. (متی ۱:۲۱) در اینجا نمونه ای از پیشگویی ها آمده است:

«باکره باردار خواهد شد و پسری به دنیا خواهد آورد و او را امانوئیل خواهد نامید.» (اشعیا ۷: ۱۴) امانوئیل به معنای خدا با ما است (۷۰۰ سال قبل از میلاد)

ای بیت لحم افراته... از تو پیشوایی ظهور می کند که نسل او از قدیم وجود داشته است. میکا ۵: ۲، (۷۰۰ سال قبل از میلاد)

«خداى شما خواهد آمد... و شما رانجات خواهد داد. آنگاه چشمان کوران باز خواهد شد و گوشهای کران شنوا خواهد شد. آنگاه لنگان مثل آهو جست و خیز خواهند زد و زبان گنگ خواهد سرابید. زیرا که آنها در بیابان ونهرها در صحرا خواهد جوشید.» اشعیا ۳۵: ۴-۶ (۷۰۰ سال قبل از میلاد)

«آنها دستها و پاهای مرا سوراخ کرده اند.» داوود، مزامیر ۱۶: ۲۲ (۱۰۰۰ سال قبل از میلاد)

او را مانند بره به کشتارگاه بردند... او مجروح شد و به خاطر شرارتهای ما، او مضروب گردید. اشعیا ۵۳: ۷، ۵ (۷۰۰ سال قبل)

اعلان

پس از هزاران سال آمادگی زمان خدا فرا رسیده بود تا مسیح را به جهان بفرستد. اما او چه کسی خواهد بود؟ و چگونه خواهد آمد؟ همانطور که پیامبران پیشگویی کرده بودند، او از یک باکره ای از نسل ابراهیم و داوود پادشاه متولد خواهد شد. منجی گناهکاران به گونه ای تصور می شود که ماهیت گناه آدم را به ارث نبرد. او فرزند بی نظیر یک زن خواهد بود.

خداوند فرشته جبرائیل را به ناصره، شهری در جلیل، نزد دختری فرستاد که متعهد شده بود با مردی بنام یوسف، از فرزندان داوود ازدواج کند. نام باکره مریم بود...

فرشته به او گفت: «نترس، مریم، تو مورد توجه خداوند قرار گرفته ای. تو پسری به دنیا خواهی آورد، که باید نام او را عیسی بگذاری. او بزرگ خواهد بود و پسر اعلی نامیده خواهد شد.

مریم از فرشته پرسید: «این چگونه ممکن است، چون من باکره هستم؟

فرشته پاسخ داد: روح القدس بر تو قرار خواهد گرفت و قدرت خداوند متعال بر تو سایه خواهد افکند. بنابراین مقدسی که متولد میشود پسر خدا نامیده می شود. ... زیرا هیچ چیزی برای خدا غیر ممکن نیست. (انجیل لوقا ۱: ۲۶-۳۷)

۵. در قسمت ۲ کتاب خود (عهد جدید) ، خدا برای متی، مرقس، لوقا، و یوحنا الهام بخشید تا روایت انجیل در مورد عیسی را ثبت کنند. یک خدای واقعی همیشه حقیقت خود را با چندین شاهد تأیید می کند

پسر انسان

در کتاب مقدس، مسیح بیش از ۳۰۰ نام و عنوان دارد.

هر بار بینش تازه ای در مورد اینکه کیست و چرا آمده است ارائه می دهد. به عنوان مثال ، لقب او، «پسر خدا»، عظمت خود را به عنوان کسی که از آسمان آمده اعلام می کند. اما او همچنین «پسر انسان» نامیده می شود، عنوانی که فروتنی او را آشکار می کند به عنوان کسی که تصمیم گرفت در جامعه انسانی گناهکار ما متولد شود.

«پسر انسان نیامده است تا خدمت کرده شود، بلکه تا به دیگران خدمت کند و جان خود را در راه بسیاری فدا سازد... محبتی بزرگتر از این نیست که کسی جان خود را فدای» دوستان خود کند. (مرقس ۱۰: ۴۵؛ یوحنا ۱۵: ۱۳)

او به عنوان پسر خدا دست خود را بر خدایی می گذارد، اما به عنوان پسر انسان دستی بر بشریت می گذارد. مسیح تنها و تنها «واسطه بین خدا و مردم» است (۱ تیموتائوس ۲: ۵) که می تواند تقاضای خدا برای عدالت و نیاز انسان به رحمت را برآورده کند.

حضور خداوند پرشکوه و پرعظمت است تمام جلال و عزت، برازنده خدای یگانه ای است که بوسیله خداوند ما عیسی مسیح ما را نجات می دهد. اما کسی که محبت نمی کند، خدا را نمی شناسد، زیرا «خدا محبت است.» (۱ یوحنا ۴: ۸)

پسر خدا

نام مسیح عیسی بود، به این معنی که خداوند نجات می دهد. و لقب اش چی بود؟ بیایید دوباره به سخنان جبرائیل به مریم گوش دهیم: «بنابراین مقدس متولد شده پسر خدا نامیده می شود.»



خدا می خواهد همه مردم در هر ملتی باور کنند که عیسی پسر او است. با این حال اکثر مردم از این کار خودداری می کنند. بسیاری فکر می کنند عنوان «پسر خدا» دلالت بر این دارد که خدا زن گرفت و یک پسر داشت. این چیزی نیست که کتاب مقدس می آموزاند.

در سال ۱۹۸۴، یک شهروند مشهور سنگال در یک تصادف ماشین رانی جان باخت. روزنامه ملی از این مسلمان به عنوان «پسر بزرگ سنگال» یاد کرد. آیا این کلمات نشان می دهد که کشور سنگال زن گرفته و پسری به دنیا آورده است؟ البته که نه! مسلمانان سنگال هیچ مشکلی برای احترام به یک شهروند دوست داشتنی با این عنوان ندارند. آنها درک می کنند که عبارت «پسر سنگال» به چه معناست. آنها همچنین می دانند معنی آن چیست.

به همین ترتیب، هنگامی که خدای متعال مسیح را پسر خود می خواند، باید بدانیم که منظور او چیست. اجازه ندهید عناوین و اصطلاحاتی را که خالق ما آنها را بزرگ می کند، به تمسخر بیگیرند.

نجات دهنده



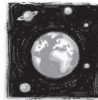
همانطور که پیامبران پیشگویی کرده بودند، مسیح در بیت لحم متولد می شود. اما مریم در ناصره زندگی می کرد. این مشکلی برای خدا ایجاد نکرد در زمان مناسب ، امپراتور روم فرمانی صادر کرد و از همه مردم خواسته بود تا برای سرشماری مالیاتی به شهر محل تولد خود بازگردند. بنابراین، مریم و یوسف به سمت جنوب به بیت لحم سفر کردند.

«هنگامی که آنها آنجا بودند، زمان تولد نوزاد فرا رسید و او فرزند اول خود

را به دنیا آورد. او را در پارچه ها پیچید و در آخور گذاشت، زیرا در مسافرخانه جایی برای آنها وجود نداشت.

در همان اطراف در میان مزارع، چوپانانی بودند که در هنگام شب از گله خود نگهبانی می کردند. فرشته خداوند در برابر ایشان ایستاد و شکوه و جلال خداوند در اطرافشان درخشید و ایشان سخت وحشت کردند. اما فرشته گفت: «نترسید، من برای شما مژده ای دارم: شادی بزرگی شامل حال تمامی این قوم خواهد شد. امروز در شهر داوود نجات دهنده ای برای شما به دنیا آمده است که مسیح خداوند است. ... ناگهان با آن فرشته فوج بزرگی از سپاه آسمانی ظاهر شد که خدا را با حمد و ثنا می سراییدند و می گفتند...» (لوقا ۲: ۷-۱۱، ۱۳-۱۴)

کلام



پس این نوزاد پسر که در یک اتاق کوچک (آخور) متولد شد و توسط فرشتگان اعلام شد، کی بود؟ دوباره سخنان فرشته را به چوپانان بشنوید: «او مسیح خداوند است!»^۶

«در ازل کلمه بود.^۷ کلمه با خدا بود و کلمه خود خدا بود، از ازل کلمه با خدا بود. همه چیز به وسیله او هستی یافت و بدون او چیزی آفریده نشد. حیات از او به وجود آمد و آن حیات نور آدمیان بود. نور در تاریکی می تابد و تاریکی هرگز بر آن چیره نشده است. ... کلمه جسم پوشید و انسان شد و در میان ما ساکن گردید. ما شکوه و جلالش را دیدیم، شکوه و جلالی شایسته فرزند یگانه پدر و پر از فیض و راستی.» (یوحنا ۱: ۱-۵، ۱۴)

تنها کسی که تا به حال بدون پدر زمینی و یا انسانی متولد شده است کسی نیست جز کلمه ای که جهان توسط او خلق شده است. او فرزند زنی است که خدا در همان روزی که گناه وارد خانواده انسان شد وعده داده بود. «این همان بره ای است که خدا فرستاده تا برای آمرزش گناهان تمام مردم دنیا قربانی شود.» (یوحنا ۱: ۲۹)

۶. مسیح به زبان یونانی به معنی مسح شده است. بلی، و معنی ارباب یعنی خدا.

۷. در حالی که قرآن نیز عیسی را کلمه خدا می نامد. (عربی سوره کلیمت الله ۳: ۵۴، ۴: ۱۷۱) این عنوان معنای متفاوتی می بخشد. قرآن همچنین از عیسی مسیح به عنوان روح خدا یاد می کند (سوره ۴: ۱۷۱)

کارهای معجزه آسا



همانطور که شیطان آدم را وسوسه می کرد، سعی کرد عیسی را نیز به گناه وادارد نماید. اما برخلاف آدم، عیسی تسلیم شیطان نشد. از کودکی تا بزرگسالی، عیسی خداوند ده فرمان و همه قوانین خدا را به طور کامل - در باطن و ظاهر - اطاعت کرد. او «از هر نظر وسوسه شد، درست مانند ما - اما بدون گناه بود.» (عبرانیان ۴: ۱۵) از آنجا که بی گناه بود، لیاقت مرگ را نداشت. اما او به همین منظور آمده بود.

در ۳۰ سالگی، عیسی شروع به سفر به خارج از شهر خود در ناصره کرد و به تدریس و موعظه پرداخت، زنان و مردان را به دنبال خودش دعوت می کرد، شیاطین را بیرون می کرد، مردگان را زنده می کرد، شنوایی را به ناشنوایان و بینایی را به نابینایان باز می گرداند. عیسی معجزه کرد تا مردم بدانند او کیست و باور کنند. چه کسی جز خدا می تواند ۵۰۰۰ مرد گرسنه را با ناهار یک پسر سیر کند؟ عیسی قادر به انجام این کار بود، چه کسی جز خدا می تواند طوفان ها را آرام کند؟ عیسی قادر به انجام این کار بود.

عیسی هر نوع بیماری را شفا داد و او این کار را با دارو یا جادو انجام نداد. او این کار را با گفتن انجام داد از آنجا که او کلمه ای است که جهان توسط او آفریده شد، هر بخشی از طبیعت تحت اختیار او بود. با این حال، مأموریت اصلی مسیح حل مشکلات جسمی مردم نبود، بلکه ایجاد رابطه درست با خدا بود.

کلمات شگفت انگیز

جمعیتی مرد فلج (مرد لنگ) را نزد او آوردند، که روی تشک خوابیده بود. وقتی عیسی ایمان آنها را دید، به آن مرد گفت: **شجاع باش پسر! گناهان تو آمرزیده شد.**

در این هنگام، برخی از معلمین مذهبی با خود گفتند: «این شخص کفر می گوید.»

عیسی با دانستن افکار آنها گفت: «چرا در قلب خود افکار شیطانی را می پرورانید؟ کدام آسان تر است: گفتن «گناهان شما آمرزیده شده است» یا گفتن «برخیز و راه برو»؟ اما باید بدانید که پسر انسان در زمین قدرت بخشش گناهان را دارد...»

سپس به فلج گفت: «برخیز، تشک خود را بردار و به خانه برو.» و مرد برخاست و به خانه رفت. وقتی جمعیت این را دیدند، وحشت زده شدند.» (متی ۹: ۲-۸)

هیچ کس هرگز مانند عیسی صحبت نکرده است به عنوان مثال، او آموخت، «من راه و حقیقت و زندگی هستم. هیچ کس نزد پدر نمی آید مگر از طریق من.» (یوحنا ۱۴: ۶) عیسی با رهبران مذهبی که می گویند، «این کار را بکن! این کار را نکن! این قوانین را رعایت کنید این راه است.» فقط عیسی می تواند بگوید: «من راه هستم» فقط عیسی می تواند بگوید: «من قیامت و زندگی هستم.» کسی که به من ایمان دارد، حتی اگر بمیرد، زنده خواهد شد «و سپس شخصی که چهار روز قبل مُرده بود را زنده می کند. (یوحنا ۱۱: ۲۵) کار های او ثابت کرد که سخنان او درست است.

نور

عیسی گفت: «من نور جهان هستم، هر که مرا پیروی کند، در تاریکی نخواهد ماند، زیرا نور حیات بخش راهش را روشن می‌کند.» (یوحنا ۸: ۱۲)

پیامبران مانند ماه بودند و اندکی از نور خدا را به جهان تاریک منعکس می‌کردند. اما در نوشتجات پیامبران، مسیح «خورشید عدالت» و «خورشید طلوع» نامیده می‌شود. (ملاکی نبی ۴: ۲؛ و زکریا نبی، لوقا ۱: ۷۸) عیسی «نور جهان» است، منبع نور و زندگی است. همان شکوهی که تاریکی را در اولین روز آفرینش سوراخ کرد، در عیسی پنهان بود! او آمده بود تا تاریکی گناه را بیرون کند و ما را به خدا بازگرداند.

اندکی قبل از اینکه عیسی به خواهش خودش جان خود را از دست بدهد، او سه شاهد را انتخاب کرد و آنها را برداشته به بالای کوهی بلند برد تا در آنجا تنها باشند. در حضور آنها ظاهر او تغییر کرد، چهره‌اش مانند آفتاب درخشید و لباسش مثل نور سفید گشت... و از آن ابر صدایی شنیده شد که می‌گفت: «این است پسر عزیز من که از او خشنودم. به او گوش دهید!» (متی ۱۷: ۱-۲، ۵)



بره

عیسی تنها کسی است که دقیقاً می‌داند:
چه زمانی می‌میرد،
کجا می‌میرد،
چگونه می‌میرد،
و چرا او می‌میرد.

با نزدیک شدن زمان او، برای رنج و مرگ بخاطر گناهان گذشته حال و آینده جهان، عیسی دوازده شاگرد خود را به کناری برد و به آنان فرمود: «ما اکنون به اورشلیم می‌رویم و آنچه انبیا دربارهٔ پسر انسان نوشته‌اند به حقیقت خواهد پیوست. او به دست بیگانگان تسلیم خواهد شد، او را مسخره خواهند کرد و با او بدرفتاری نموده به رویش آب دهان خواهند انداخت. او را تازیانه زده و خواهند کشت. اما در روز سوم باز زنده خواهد شد.» (لوقا ۱۸: ۳۱-۳۳)

رهبران مذهبی از عیسی متنفر بودند «زیرا او ادعا می‌کرد که پسر خداست». (یوحنا ۷: ۱۹) اما چیزی که آنها را بیشتر آزار می‌داد این بود که مردم اکنون به جای حرفهای آنها به مسیح گوش می‌دادند! بنابراین آنها نقشه کشیدند که او را بکشند، بدون آنکه آنها بدانند ناخداگاه در حال اجرا نوشتجات انبیای الهی بودند. «ما او را خوار شمردیم و طرد کردیم، و او متحمل رنج و درد شد...»
مانند بره‌ای را که به کشتارگاه می‌برند... (اشعیا ۵۳: ۳، ۷)

قبر خالی

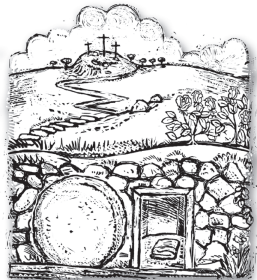
عیسی مرده بود. بدنش پاره شده او را از روی صلیب برداشته، در پارچه ای تمیز پیچانده و در قبر سردی گذاشته بودند. و در مقابل دروازه قبر سنگ سنگین مهر و موم شده بود. سپس روز سوم فرا رسید.

روز یکشنبه، قبل از سپیده دم، چند زن که شاگردان وفادار عیسی بودند به قبرستان آمدند. آنها متوجه شدند که سنگ قبر دور شده و مقبره خالی است! و فقط پارچه های کتانی دفن شده باقی مانده است.



آنگاه فرشته به زنها گفت: «نترسید! می دانم که به دنبال عیسی مصلوب شده می گردید. او اینجا نیست. چنانکه خود او قبلاً گفته بود، پس از مرگ زنده خواهد شد. بیایید و جایی را که او خوابیده بود، ببینید و زود بروید و به شاگردان او بگویید که او پس از مرگ زنده شده است و قبل از شما به جلیل خواهد رفت و شما او را در آنجا خواهید دید.» (متی ۲۸: ۵-۷)

در همان حال که می دویید، ناگهان عیسی را در مقابل خود دیدند! او گفت: «سلام!» زنها به پایهای او افتادند و او را پرستش کردند. (متی ۲۸: ۹)



قربانی نهایی

و بنابراین عیسی خداوند اجازه داد که دستگیر شود، مورد قضاوت و تمسخر قرار گیرد، تاج از خار بر سرش گذاشته شود، شلاق زده شود، برهنه شود و بر صلیب چوبی در همان رشته کوه میخکوب شود جایی که ابراهیم ۲۰۰۰

سال قبل پیشگویی کرده بود که، «خداوند خودش بره برای قربانی سوختنی را فراهم کرد.» (پیدایش ۲۲: ۸) خدا پسر ابراهیم را نجات داد، اما او «به پسر خود رحم نکرد.» (رومیان ۸: ۳۲)

پیشگویی ابراهیم به حقیقت پیوست خدا بره را تهیه کرده بود - جایگزین کامل. چنانکه عیسی مجازات من و شما را بر خود گرفت، خدا آسمان و زمین را در تاریکی پوشاند. عیسی با کمال میل گناه و شرم ما را بر خود گرفت. خداوند عاری از گناه برای آزاد ساختن ما از قانون گناه و مرگ مورد قضاوت و عذاب قرار گرفت تا ما از بند گناه رهایی یابیم. و تا اینکه نیازی به تحمل عذابی ناشی از گناه در ابدیت نداشته باشیم. سپس درست قبل از مرگ، او با پیروزی فریاد زد: «تمام شد!» (یوحنا ۱۹: ۳۰)

عیسی بدهی گناه جهان را به طور کامل پرداخت کرده بود! دیگر فداکاری برای گناه پذیرفته نخواهد شد. همانطور که قوچ ابراهیم برای یک نفر مرد، بره خدا نیز برای همه مرد.



مرگ شکست خورد

عیسی کاری را کرد که هیچ یک از اجداد ما نمی توانستند انجام دهند: او شیطان، گناه و مرگ را شکست داد! عیسی آنچه را که هیچ یک از پیامبران نمی توانند بگویند گفت: «من اولین و آخرین هستم. من راه راستی و حیات هستم؛ من مرده بودم و اینک تا ابدالابد زنده هستم و کلیدهای موت و عالم اموات نزد من است (مکاشفه ۱: ۱۷-۱۸) از آنجا که عیسی بر مرگ غلبه کرد، کسانی که به او اعتماد دارند در این حیات و حیات بعدی از هیچ چیز نمی ترسند.

پس از زنده شدن، عیسی ۴۰ روز را با شاگردان خودسپری کرد. او به آنها در درک کتاب مقدس کمک کرد و به آنها نشان داد که پیامبران (ابراهیم، موسی، داوود و غیره) پیشگویی کرده بودند که چگونه مسیح می میرد و زنده می شود. او همچنین وعده داد که روح مقدس خود را برای زندگی در آنها نازل می کند، تا آنها را به شخصیت خودش تبدیل کند و آنها را قادر سازد تا در هر ملتی بشارت خود را اعلام کنند. همه کسانی که توبه می کنند (تغییر ذهنیت و جهت می دهند) و به بره کامل خدا ایمان می آورند که به جای آنها مُرد و مرگ را شکست داد، بخشیده شده، و عادل شمرده خواهند شد و با خدا در یک رابطه جدید قرار خواهند گرفت.

در چهلمین روز، هنگامی که شاگردانش مشاهده می کردند، عیسی در ابرها به خانه پدرش صعود کرد و قول داد که در پایان زمان به عنوان داور تمام زمین باز خواهد گشت. اما این یک داستان دیگر است!



نام

ما این سفر را با پرسیدن اینکه آیا شما نام پدربزرگ و مادربزرگ قدیمی خود را می دانید، آغاز کردیم. اینکه آیا نام آنها را می دانید یا خیر ارزش محدودی دارد. اما نامی وجود دارد که خدا اعلام کرده است که دارای ارزش نامحدود است. نامی که می تواند زندگی شما را برای زمان و ابدیت تغییر دهد.

آن نام عیسی است - نامی که به معنی خداوند نجات می دهد.

همه پیامبران درباره او شهادت می دهند که هرکسی که به او ایمان دارد به نام او بخشش گناهان را دریافت می کند. ... و این نام عیسی مسیح است ... نجات در هیچ کس دیگری یافت نمی شود، زیرا هیچ نام دیگری در زمین به انسانها داده نشده است که ما باید نجات پیدا کنیم. «(اعمال ۱۰: ۴۳؛ ۴: ۱۲، ۱۰)» اینها را برای شما که به نام پسر خدا ایمان دارید می نویسم تا بدانید که زندگی جاویدانی دارید.» (یوحنا ۵: ۱۳)

بله، می توانید بدانید که حیات جاویدانی را کجا سپری خواهید کرد! خالق شما، شما را دعوت می کند تا به او اعتماد کنید. اجازه دهید داستان او انقلابی در داستان شما ایجاد کند. اگر اعتماد خود را از خود و دین خود به خداوند عیسی مسیح و آنچه او در مرگ و رستاخیز برای شما انجام داد منتقل کنید، او شخصاً به شما می گوید: «تکرار می کنم: هر که به پیغام من گوش دهد و به خدا که مرا فرستاده است ایمان بیاورد، زندگی جاوید دارد و هرگز بخاطر گناهانش بازخواست نخواهد شد، بلکه از همان لحظه از مرگ نجات پیدا کرده، به زندگی جاوید خواهد پیوست.» (یوحنا ۵: ۲۴)

مشکل مرد

وقتی آدم و حوا از خالق خود اطاعت نکردند، مشکل دوگانه **گناه و شرم** را برای خود به وجود آوردند. گناه آنها، آنها را مخفی کرد.

شرم آنها باعث شد تا برهنگی خود را بپوشانند.

خدا به عدالت خود، پوشش برگ انجیر خود ساخته آنها را رد کرد، اما در رحمت خود، آنها را به پوست حیوانات قربانی پوشاند. خون حیوانات نمادی از آنچه برای پاکسازی گناه آنها ضروری بود، و پوست حیوانات نمادی از آنچه برای پوشاندن شرم آنها لازم بود.

ما در گناه و شرم اجدادمان شریک هستیم. ما به عنوان گناهکار از معیار عدالت خدا کوتاهی می کنیم و به طرز شرم آوری برای زندگی در حضور مقدس او مناسب نیست. ما باید عفو و بخشش کامل او را بدست آوریم. اما چگونه؟

چگونه می توانید از گناهی که شما را از خالق کاملاً صالح شما جدا می کند پاک شوید؟

چگونه می توانید از طرف خدا را عادل شمرده شوید تا بتوانید بدون **شرمندگی** در حضور او برای همیشه زندگی کنید؟



راه حل خدا

عیسی مسیح بر روی صلیب **شرم شما** را بر خود گرفت و به خاطر گناه شما رنج عذاب و زیادی را متقبل شد و اما چون گناه نداشت، مرگ نتوانست او را در قبر نگه دارد. با مرگ و رستاخیز خود، او اکنون پیشنهاد می کند که شما را پاک کند و لباس شما را بپوشاند - تا گناهان شما را با عدالت خود عوض کند. اما شما باید به نوشته های خداوند ایمان داشته باشید. آیا تو...؟

"چه کسی پیام ما را باور کرده است؟ ... او بخاطر خطاهای ما میخکوب شد ... همه ما مانند گوسفندان به بیراهه رفته ایم، هر یک از ما به راه خود روی آورده ایم. و خداوند گناه همه ما را بر او گذاشت. ... روح من به خدای من شادی می کند. زیرا او لباس نجات و جامه عدالت را بر من پوشانده است." (اشعیا ۵۳: ۱، ۵-۶؛ ۶۱: ۱۰)

توسط انجیل شما نجات می یابید ... مسیح برای گناهان ما مطابق کتاب مقدس مُرد، او دفن شد، و او روز سوم بر اساس کتاب مقدس زنده شد.» (۱قرنتیان ۱۵: ۲-۴)

نظر شما در مورد عیسی چیست؟

شما در مورد زندگی، مرگ، دفن و قیام او چه اعتقادی دارید؟

داستان او چگونه بر داستان شما تأثیر گذاشته است؟



اعلامیه

عمیق تر رفتن

آیا می خواهید به داستان و پیام خالق خود عمیق تر بروید؟ دو کتاب از نویسنده داستان خود را کشف کنید.

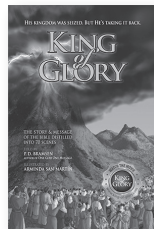
یک خدا یک پیام - سفری در کتاب مقدس که چارچوبی را برای تجدید نظر در سوالات بزرگ زندگی ارائه می دهد.

پس از خواندن این کتاب منطق کتاب مقدس معنا پیدا کرده و در ذهن من کلیک می کند. و علاقه ای به من برای خواندن کتاب مقدس ایجاد کرده است. محمد، شرق میانه

پادشاه جلال - این کتاب و فیلم بهترین داستان و پیامی را که تا به حال گفته شده است نشان می دهد. کتاب بخوانید / فیلم را تماشا کنید: www.king-of-glory.com

چه بازخوانی پویایی از کتاب مقدس! تصاویر فوق العاده تخیل پیر و جوان را به خود جلب می کند. جانیس، آمریکای شمالی

مهمتر از همه، به منبع بروید کلام خالص خدا را بخوانید و در مورد آن مراقبه کنید. کتاب مقدس، به طور جزئی یا کامل، به ۲۵۰۰ زبان موجود است.



«اگر با زبان خود اعتراف کنید که» عیسی خداوند است
«و در قلب خود باور داشته باشید که خدا او را از مردگان
زنده کرده است، نجات خواهید یافت.» هرکس نام خداوند
را بخواند نجات می یابد.»»

(رومیان ۱۰: ۹، ۱۳؛ یوئیل ۲: ۳۲)

برگرفته شده از نقل قول های کتاب مقدس از نسخه جدید و بین المللی

زوندیورن ۱۹۹۵

Compliments of:



©2021 ROCK International • resources@rockintl.org

P.O. Box 4766, Greenville, SC 29608

www.king-of-glory.com

YOUR STORY • Dari